

جایی میان دو قله^۳

برخی از ویژگی‌های ادبیات نوجوانان

کی.ای. واندنر کیفیت
ترجمه دلارام کارخیران

نوجوانان، بیش از هر گروه سنی دیگر، به «خندیدن به خود» احتیاج دارد. نوجوانان نیازمند آموختن راه حل‌های شاد و پرانرژی، برای کنار آمدن با مسائل روزمره هستند و ادبیات دوران نوجوانی، ادبیاتی است که علاوه بر آموزنده بودن، بتواند مَقَری برای نوجوانان، باشد تا برای رفع خستگی، تجدید قوا و فرار از حجم عظیم واقعیات اطرافشان به آن پناه ببرند. اگر این گروه سنی را از فانتزی محروم کنیم، آن‌ها از ادبیات دور می‌شوند و ذهن‌شان قبل از این که به طور کامل بتواند مسائل را تحلیل کند، درگیر واقعیات خشن زندگی می‌شود.

درواقع ادبیات امروز نوجوانان، چه در محتوا و چه در ساختار، به ادبیات جوانان نزدیک و شبیه شده و نویسندگان گرچه باسواس تمام، می‌کوشند متون‌شان را از نزدیک شدن به متون کودکان حفظ کنند، گویی هیچ واژه‌ای از نزدیک شدن متن به متون مناسب جوانان ندارند. این در حالی است که نوجوانانی که در خواندن پیشرفت کرده‌اند، به

ادبیات نوجوانان را اغلب ادبیات دوران گذر تلقی می‌کنند. بدین معنا که این ادبیات را فاقد تعاریف مشخص می‌دانند و معتقدند در دوره گذر از کودکی به جوانی، زمان کوتاه است و نیازی به درگیر شدن با تعاریف و مفاهیم جدید وجود ندارد. بسیاری معتقدند ادبیات نوجوانان، ترکیبی از ادبیات شاد و پرهیجان کودکان و مسائل پیچیده جوانان است. از یاد نبریم که اغلب نوجوانان در مقایسه با کودکان و نوجوانان، وقت بسیار کمی را به مطالعه و گذراندن در کتابخانه‌ها اختصاص می‌دهند.

اغلب نویسندگان کتاب‌های نوجوانان، به سبکی مشخص روی آورده‌اند. آنان به دنبال بیان مسائل زندگی معاصر، از دیدگاه نوجوانان و با در نظر گرفتن تجارب آنان هستند. قصه‌های این نویسندگان عموماً تمی اجتماعی و موضوعی معاصر دارد که شخصیت درگیر آن یک نوجوان است و مسائل از نگاه نوجوانان بررسی و دیده می‌شود. مشکل اصلی این رویکرد، واقع‌گرایی مفرط آن است؛ چرا که گروه سنی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



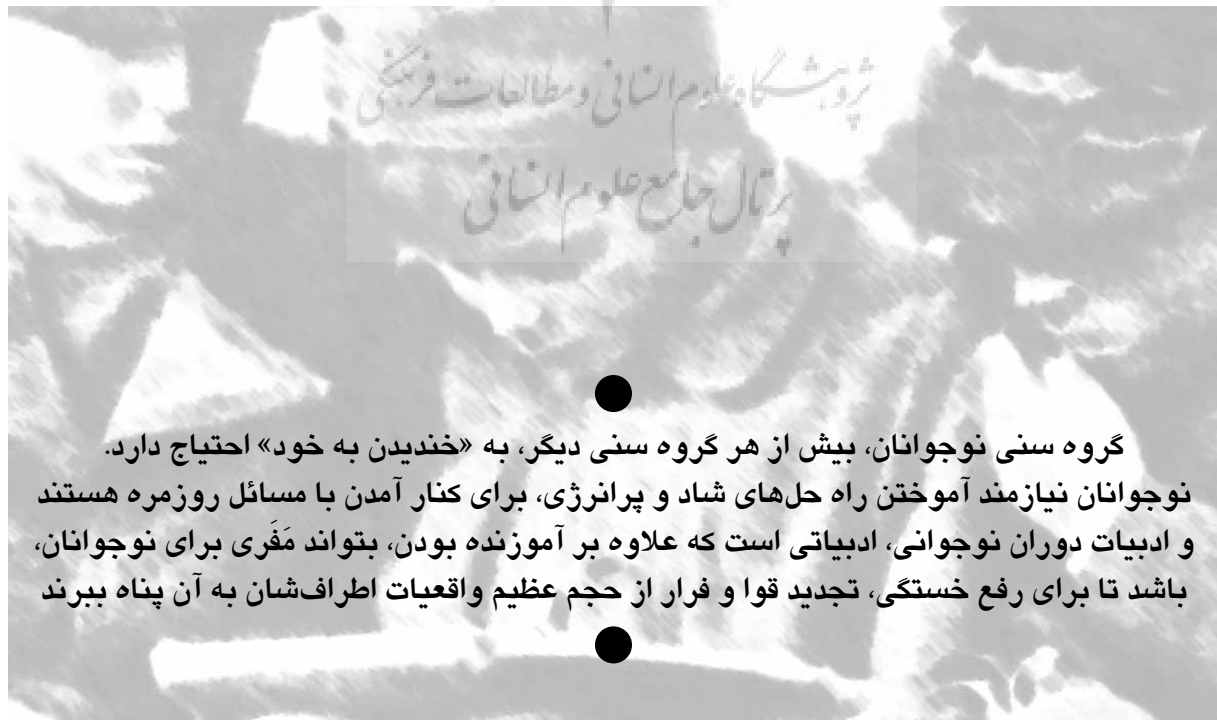
خاطر تشویق‌های اطرافیان و جاه‌طلبی، به کتاب‌های بزرگسالان روی می‌آورند و کم‌تر نوجوانی که بتواند روان بخواند، پای‌بند کتاب‌های گروه سنی خودش باقی می‌ماند. به علاوه، رسانه‌ها و خصوصاً تلویزیون و سینما باعث پدیده «بزرگسالی زودرس» در نوجوانان شده است؛ پدیده‌ای که عواقبی شوم در پی دارد و باعث می‌شود که ظرف کودک، بیش از مطروفش پر گردد. این بزرگسالی زودرس، در اصل توهم بزرگسالی است که برای نوجوانان ایجاد می‌شود و او را دست خالی و بدون بلوغ فکری و تجربه کافی، با مسائل بزرگ‌ترها درگیر می‌کند.

قصه‌ای که ۲۰ سال قبل برای نوجوان‌های ۱۴ ساله مناسب تشخیص داده می‌شد، این روزها در دست کلاس دومی‌ها دیده می‌شود و ۱۴ ساله‌ها ترجیح می‌دهند یا کتاب نخوانند و یا به ادبیات بزرگسالان روی آورند. نیکول اس.تی.جان، نوجوانان را «بزرگسالان بی‌تجربه» نامیده و معتقد است ادبیات این دوره سنی، وظیفه ارائه تجربه به نوجوانان را دارد. در یک داستان، خواننده می‌تواند تجارب شخصی یک نفر را تجربه، بررسی و درک کند و در واقع با آن تجارب شریک شود و آن‌ها را بسط دهد. این موضوع، ناقض شخصی بودن تجارب انسان نیست، ولی نقش بزرگ ادبیات نوجوانان در ارائه تجربه‌های زندگی به آن‌ها را هم نادیده نمی‌گیرد. همه ما باید به تنهایی در دنیای خودمان گام برداریم و تجاربمان منحصر به فرد است. ادراک و دریافت‌های حسی هریک از ما، با دیگران تفاوت دارد و ادبیات دوران نوجوانی، بهترین بستر برای آموختن ادراک متقابل و درک تجارب دیگران در این دوره است.

تضادهای میان انسان و جامعه اطرافش، باید در کتاب‌های دوره سنی نوجوانان به نوشته شود تا نوجوانان با این موضوع عام و مسئله همیشگی بشری آشنا شوند و تجارب مشترک و متفاوت دیگران، در برخورد با این موضوع به آن‌ها کمک کند. قصه‌ها همیشه بهترین و قوی‌ترین راه مواجهه با مسائلی چون رابطه پیدا کردن با دیگران، جغرافیای

گوناگون، عقاید و اتفاقاتی ورای اتفاقات عادی هستند. یک اثر موفق در حیطه ادبیات نوجوانان، باید در زمینه‌های زیر توانا باشد:

- ۱- توضیح و توصیف وقایع تاریخی، جنبش‌های فعلی و شخصیت‌های مطرح ادبیات نوجوانان
- ۲- درک ماهیت خواندن در دوران معاصر، دیدن و شنیدن علایق نوجوانان و جمع‌آوری و پردازش این یافته‌ها برای برنامه‌ریزی‌های بعدی در ادبیات نوجوانان
- ۳- در نظر گرفتن نظریات جدید روان‌شناسی نوجوانان، روان‌شناسی رشد، جامعه‌شناسی و فرهنگ عامه برای به کارگیری در ادبیات این دوره سنی
- ۴- تشخیص عناصر ادبی در قصه و ترغیب منتقدان برای ارائه نقدهای اصولی در این عرصه و جمع‌آوری نقدها
- ۵- در نظر گرفتن آرا و عقاید مکاتب موجود و به طور خاص تئوری‌های فمینیستی و کارکرد این عقاید و تئوری‌ها در ادبیات نوجوانان (چه در عرصه آموزش تئوری‌ها و چه در عرصه نقد آنها)
- ۶- تفسیر تحقیقات موجود در مورد «خواندن در دوران نوجوانی» و جمع‌آوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای، به منظور ایجاد تغییرات دوره‌ای در عناصر اصلی و مشکل داستان‌های نوجوانان
- ۷- ارائه انواع اطلاعات ضروری برای این گروه سنی در غالب داستان
- ۸- انتخاب و تنظیم ابزارهای مناسب برای ارائه قصه، از جمله قطع کتاب، طرح روی جلد و نوع جلد، قیمت و سایر موارد مرتبط
- ۹- ارائه منابع و کتب پیشنهادی نویسنده در پایان کتاب، به عنوان مراجع قابل دسترس برای نوجوانان
- ۱۰- چاپ آثار نوجوانان با سبک‌های متنوع در یک کتاب، برای آشنا کردن این گروه سنی با انواع سبک‌های داستان‌نویسی در این دوره



گروه سنی نوجوانان، بیش از هر گروه سنی دیگر، به «خندیدن به خود» احتیاج دارد. نوجوانان نیازمند آموختن راه حل‌های شاد و پیرانرژی، برای کنار آمدن با مسائل روزمره هستند و ادبیات دوران نوجوانی، ادبیاتی است که علاوه بر آموزنده بودن، بتواند مفری برای نوجوانان، باشد تا برای رفع خستگی، تجدید قوا و فرار از حجم عظیم واقعیات اطرافشان به آن پناه ببرند